

Evaluation and Analysis of Urban Vitality Criteria Preferences Case Study: Valiasr St., Tehran

Farrokh, Tahmasebi¹., Hosain, Nazmfar^{*2}., Abolfazl, Ghanbari³., Hassan, Rezaeinia⁴.,

1- PhD student in Geography and Urban Planning, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran

2- Professor of Geography and Urban Planning, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran

3- Associate Professor of Geography and Urban Planning, University of Tabriz, Tabriz, Iran

4- PhD in Geography and Urban Planning, University of Tehran, Tehran, Iran

Received: 31 December 2019

Accepted: 29 April 2020

Extended Abstract

Introduction

These days, Urban streets are facing with many challenges and issues that have diverted them from their social functions and made them a mere place to pass. Attention to the concept of urban vitality and its related components, is one of the solutions that can help urban streets to overcome the existing challenges. Vitality is the quality of life; But in a way that is perceived and experienced by people in space. According to this key definition, one way to engage citizens to create lively public spaces is evaluation of their perceptions and preferences that are effective criteria on the urban vitality, which has been considered in the present research by studying three scenes from Valiasr Street in Tehran. Valiasr Street, as the longest street in Tehran, connects the north and south of the geography, as well as the north and south floors of the city. For this reason, it has multiple identities that make it suitable for such studies.

Methodology

In this study, the combined research method was used based on the "sequential explanation" scheme, and three groups of citizens related to Valiasr Street, including "passing users", "informed citizens" and "shopkeepers" were selected for sampling. The sample size of the first to third groups was determined to be 180 people (60 people from each sequence), 15 people and 10 people, and the sampling was implemented based on "available random" and "targeted" methods. Also, data collection was performed by using of a questionnaire, field observation and semi-structured interview forms. Questions of the questionnaire form were obtained based on the criteria collected from the theoretical literature of vitality in the form of seven key components and 65 questions. The main components included learning, socialization, comfort, security, usability, accessibility, and sense of place. A number of open-ended questions were also asked of the respondents in each of the seven components as qualitative complementary questions, in line with the questionnaire ones. The main theme of all the questions was to evaluate the preferences of the citizens regarding each of the factors affecting the vitality of Valiasr Street.

Results and discussion

As results indicated, in the view point of Valiasr Street users, the most important variables

*. Corresponding Author (Email: nazmfar@uma.ac.ir)

affecting the vitality of it, are often non-physical ones that the presence of women in the street space, the possibility of walking, the priority of pedestrian, diversity in clothing and behavior and finally existence of security have more considerable than other criteria. Then, for each of the seven components of vitality, a conceptual pattern was identified. These conceptual patterns mean that users of Valiasr Street prefer certain elements of vitality to improve the quality of space on this street, which is consistent with the lifestyle, norms, culture and social structure of Tehran and thus they determine how citizens use the public spaces of it. These characteristics include: youthfulness, individualism, support for women's presence, support for "homogeneous" spaces (socially homogeneous) but "diverse" (in terms of type of activity), lack of connection with strangers, lack of Tolerance of different social groups such as minorities, the importance of mixed business land uses, great attention to social and psychological security, the importance of accessibility of pedestrian, attention to the pleasure of space and nostalgia and finally connection with the past. Another part of the findings of the study showed that the spatial differences between the northern and southern parts of Valiasr Street can be explained in relation to the socio-economic base of different classes. In fact, the spatial differences resulting from the social and economic base of different classes of people affect their preferences from the criteria of the vitality of Valiasr Street.

Conclusions

The result of the research was that vitality is the outcome of a complex interaction between economic, social, cultural, environmental, sensory and psychological factors and structures. Therefore, reducing the level of vitality to merely physical and environmental design factors, as is common in many domestic studies, not only counteracts planning to improve the quality of public spaces, but also promotes the same kind of planning, regardless of sociological characteristics, norms and patterns of behavior of different urban communities. Finally, considering all the findings and consequences of the study, it can be acknowledged that the process of planning for public spaces with a vitality approach, in a multi-class city such as Tehran, will only achieve the desired result if it considers two basic conditions: The first is to pay attention to the macro-social, political and cultural structures, and the second is to regard to the interests and preferences of all stakeholders and actors in public spaces.

Keywords: Urban vitality, Preferences Analysis, Public spaces, Valiasr St., Tehran City.

ارزیابی و تحلیل ترجیحات معیارهای سرزندگی شهری در خیابان ولیعصر تهران*

فرخ طهماسبی - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

حسین نظم‌فر^۱ - استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

ابوالفضل قنبری - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

حسن رضایی‌نیا - دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران

پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۲/۱۰

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۰/۱۰

چکیده

یکی از شیوه‌های مشارکت دادن شهروندان در خلق فضاهای عمومی سرزنده، سنجش ادراکات، سلايق و ترجیحات آن‌ها از معیارهای مؤثر بر سرزندگی شهری است. در راستای این هدف، سه سکانس از خیابان ولیعصر تهران در پژوهش حاضر مورد مطالعه قرار گرفت. بدین منظور، روش تحقیق ترکیبی بر اساس طرح «متوالی تبیینی» بکار گرفته شد و سه گروه از شهروندان مرتبط با خیابان ولیعصر شامل «کاربران عبوری»، «شهروندان مطلع» و «مغازه‌داران» برای نمونه‌گیری انتخاب شدند. گردآوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه، مصاحبه و مشاهده میدانی انجام شد و ۷ مؤلفه کلیدی سرزندگی با ۶۵ سؤال ارزیابی گردید. بر اساس نتایج، در نگاه کاربران خیابان ولیعصر، مهم‌ترین متغیرهای اثرگذار بر سرزندگی این خیابان، اغلب جزو متغیرهای غیر کالبدی هستند که از میان آن‌ها حضور زنان در فضای خیابان، امکان پرسه‌زنی، اولویت پیاده بر سواره، تنوع در پوشش و رفتار و وجود امنیت اهمیت بیشتری نسبت به سایر معیارها دارند. در ادامه، برای هر یک از ۷ مؤلفه سرزندگی، یک الگوی مفهومی شناسایی شد که این الگوها نشان‌دهنده برخی از ویژگی‌های اجتماعی شهر تهران بودند. همچنین تفاوت‌های فضایی موجود بین بخش‌های شمالی و جنوبی خیابان، در ارتباط با پایگاه اجتماعی اقتصادی طبقات مختلف قابل تبیین است. در نهایت این نتیجه به دست آمد که فرایند برنامه‌ریزی برای فضاهای عمومی با رویکرد سرزندگی در یک شهر چند هویتی و طبقاتی مانند تهران، تنها در صورتی می‌تواند به نتیجه مطلوب برسد که دو پیش‌شرط اساسی «توجه به ساختارهای کلان اجتماعی، سیاسی و فرهنگی» و «توجه به علایق و ترجیحات تمام کنشگران فضای عمومی» را مدنظر قرار دهد.

واژگان کلیدی: سرزندگی شهری، ارزیابی ترجیحات، فضاهای عمومی، خیابان ولیعصر، شهر تهران.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری آقای فرخ طهماسبی در رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری به راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم و چهارم در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه محقق اردبیلی می‌باشد.

مقدمه

خیابان‌ها، از مهم‌ترین مکان‌های عمومی یک شهر محسوب می‌شوند. وقتی به یک شهر فکر می‌کنیم چه چیزی به ذهن می‌آید؟ خیابان‌های آن است اگر خیابان‌های شهر جالب توجه باشند، شهر جالب به نظر می‌رسد؛ در مقابل اگر خیابان‌ها به نظر کسل‌کننده باشند، شهر نیز خسته‌کننده می‌شود (Jacob, 1961:39). در همین راستا، برخی از صاحب‌نظران تأکید می‌کنند که شهرهای بزرگ در اکثر موارد توسط خیابان‌های اصلی‌شان شناخته می‌شوند و شخصیت خیابان‌ها تا حد زیادی، شخصیت شهرها را نشان می‌دهد (Bentley et al, 2008:54; Shuhana, 2004:291). همان‌طور که وون شون‌فلد و برتولینی (۲۰۱۷) اذعان دارند، خیابان‌های شهری در عصر حاضر، چالش‌ها و فرصت‌هایی را شکل داده‌اند که منجر به تقابل بیشتر دو مسئله عمده یعنی «خیابان به‌عنوان فضای عبور و مرور» و «خیابان به‌عنوان فضای عمومی و اجتماعی» شده است (Von Schönfeld & Bertolini, 2017:48). از طرفی روندهای حاکم بر فضاهای عمومی معاصر از جمله خصوصی‌سازی، کنترل، تجاری‌سازی، اتومبیل‌محوری، و گسترش فضاهای مجازی نیز منجر به کاهش نقش و عملکرد خیابان به‌عنوان فضای عمومی شده‌اند (رضایی‌نیا، ۱۳۹۷؛ اشرفی، ۱۳۹۳). به‌عنوان مثال پرسه‌زنی پیاده و گشت‌وگذار در خیابان‌ها، تا حد زیادی جای خود را به پرسه‌زنی در مراکز خرید و اتومبیل‌سواری داده است.

یکی از راهکارهای برون‌رفت از این چالش و احیای مجدد خیابان به‌عنوان فضای عمومی، توجه به بحث سرزندگی این فضاها است. سرزندگی به‌مثابه یکی از ویژگی‌های کیفیت فضای شهری؛ همان ادراک مثبتی است که به‌وسیله مردمی که در یک فضا زندگی می‌کنند شکل می‌گیرد (Sepe, 2017:725). سرزندگی علاوه بر اینکه یک حالت ذهنی و روانی است، دارای ابعاد عینی و کالبدی نیز می‌باشد. باین‌حال، تاکنون بیشتر مطالعات این حوزه، بر ابعاد کالبدی موضوع توجه داشته‌اند و جنبه‌های حسی، اجتماعی و فرهنگی سرزندگی را نادیده گرفته‌اند. همچنین، به دیدگاه‌های کاربران فضاهای عمومی و نقش آن‌ها در خلق فضاهای سرزنده کمتر توجه شده است. درحالی‌که به اعتقاد هانری لوفور، شهروندان بخش مهمی از ذی‌نفعان هر فضا در کنار سازندگان و ایده‌پردازان آن هستند (Lefebvre, 1991). یکی از راه‌های مشارکت دادن شهروندان در خلق فضاهای عمومی سرزنده، سنجش ادراکات آن‌ها از معیارهای مؤثر بر سرزندگی و تحلیل سلايق و ترجیحات آن‌ها از فضاهای عمومی است که در پژوهش حاضر با مطالعه موردی خیابان ولیعصر تهران مدنظر قرار گرفته است. هم‌شهر تهران و هم خیابان ولیعصر، ویژگی‌هایی دارند که آن‌ها را برای چنین مطالعه‌ای جذاب می‌سازد. مهاجرت، تفاوت و قطب‌بندی اجتماعی میان مناطق شمالی و جنوبی تهران، از مهم‌ترین ویژگی‌های اجتماعی این شهر است (مدنی‌پور، ۱۳۸۱: ۳۲). در این بین خیابان ولیعصر به‌عنوان طولانی‌ترین خیابان تهران، اتصال‌دهنده شمال و جنوب جغرافیایی و همچنین شمال و جنوب طبقاتی شهر است. این خیابان در مسیر خود از مناطق ۱، ۳، ۶ و ۱۱ عبور می‌کند. به همین دلیل فعالیت‌ها و فضاهای متنوعی را می‌توان در طول خیابان مشاهده نمود. بنابراین واجد هویتی متکثر و چندگانه است که چنین چیزی در کمتر خیابانی حتی در خود تهران یافت می‌شود. بنابراین مطالعه ادراک شهروندان از سرزندگی خیابان ولیعصر؛ به‌عنوان خیابانی که پایین‌ترین نقطه یک شهر چند هویتی و طبقاتی را به بالاترین نقطه آن وصل می‌کند، می‌تواند در سکانس‌های مختلف؛ قابل توجه باشد. از طرفی، در طول سالیان اخیر با وجود تغییر و تحولاتی که خیابان ولیعصر به خود دیده است؛ باز هم این خیابان به‌عنوان فضای عمومی جذاب و تأثیرگذار در اذهان شهروندان باقی‌مانده است. با توجه به تحقیقات انجام‌شده در مورد خیابان ولیعصر، بیشتر مردم تهران از این خیابان به‌عنوان دوست‌داشتنی‌ترین و خاطره‌انگیزترین خیابان تهران نام برده‌اند (رضایی‌نیا، ۱۳۹۷؛ اشرفی، ۱۳۹۳؛ شبیانی و همکاران، ۱۳۸۹). لذا توجه به احیای این خیابان به‌عنوان فضای عمومی، از دیگر ضرورت‌های انجام پژوهش حاضر است. همچنین با توجه به اینکه مقاله حاضر بخشی از یک رساله دکتری است که هدف آن درنهایت، ارائه الگوی مطلوب سرزندگی خیابان ولیعصر می‌باشد، ضروری است تا جهت ارائه چنین الگویی، میزان ادراک کاربران از معیارهای سرزندگی و نحوه ارزش‌گذاری آن‌ها مشخص شود. با عنایت به تمامی موارد ذکرشده، پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به دو سؤال زیر است:

❖ از دیدگاه کاربران خیابان ولیعصر، معیارهای سرزندگی در این خیابان چگونه ارزش‌گذاری می‌شوند؟

❖ معیارهای ارزش گذاری شده، چه تشابهات و تفاوت‌هایی را در هر یک از سکانس‌های خیابان نشان می‌دهند؟

مبانی نظری

مرور ادبیات نظری سرزندگی نشان می‌دهد که اولین بار واژه سرزندگی با انتشار اثر کلاسیک دانلد اپلیارد در سال ۱۹۸۱ وارد مباحث شهرسازی شد. طبق تعریف جان روس، سرزندگی همان کیفیت زندگی است؛ ولی بدان گونه که توسط مردم در فضا ادراک و تجربه شده باشد (Cowan, 2005: 221). در میان متخصصان شهری، تعریف مشترکی از سرزندگی محیط‌های شهری و معیارها و عوامل ایجادکننده آن وجود ندارد و صاحب‌نظران تعاریف متفاوتی از سرزندگی ارائه داده‌اند. گستردگی و تنوع این تعاریف آن‌چنان زیاد است که آن را به واژه‌های سهل و ممتنع تبدیل کرده است. تا جایی که می‌توان گفت در خصوص این مفهوم، توافق و اجماع نظر چندانی بین محققان وجود ندارد. برای مثال ویلیام وایت، سرزندگی را حاصل جمع دو عنصر «مردم» و «فضای مورد استفاده برای فعالیت‌های آن‌ها» تعریف کرده است که تعریفی بسیار کلی است. در مقابل، رایان و فردریک (۱۹۹۷) سرزندگی را به‌عنوان انرژی جسمانی و ذهنی تعریف کرده‌اند که وجود آن، باعث می‌شود تا مردم احساس شور و شوق و انرژی در تجربه از شهر داشته باشند (Ryan & Frederick, 1997). یان گل و جکوبز تعریف متعادل‌تری ارائه داده‌اند و سرزندگی شهری را ناشی از نشاط مردم در فضای شهری و همچنین فعالیت‌های آن افراد دانسته‌اند (Lu et al, 2019: 3). به اعتقاد جکوبز، نخستین شرط سرزندگی شهرها، تنوع است که عموماً به‌عنوان اختلاط کاربری شناخته شده است (Hirt, 2016). لینچ، سرزندگی را بخشی از فرم شهری و شاخص اصلی ارزیابی فرم شهری می‌داند (Lu et al, 2019: 3). لاندی (۲۰۰۰) نیز، سرزندگی شهری را به‌عنوان درجه‌ای از فرم و شکل شهری که از عملکردهای حیاتی، نیازهای زیست‌محیطی و توانایی‌های انسان پشتیبانی می‌کند، تعریف کرده است (Landry, 2000: 11). وی ۹ معیار را برای توضیح سرزندگی ارائه می‌کند: تراکم مؤثر مردم، تنوع، دسترسی، ایمنی و امنیت، هویت و تمایز، خلاقیت، ارتباط و همکاری، ظرفیت همکاری و رقابت (Mardani, 2018: 13). در تعریف مونتگومری، معیارهای دستیابی به سرزندگی عبارت‌اند از: تعداد افراد در داخل و اطراف خیابان (عابر پیاده) در زمان‌های مختلف از روز و شب، دستیابی به امکانات، تعداد رویدادهای فرهنگی و جشن‌ها در طول سال، حضور یک خیابان فعال در زندگی، و به‌طور کلی اینکه یک مکان به چه میزان دارای جنب‌وجوش می‌باشد (Montgomery, 1998: 94). معیارهای سرزندگی شهری را به‌طور کلی می‌توان به دو دسته کالبدی و غیر کالبدی تقسیم کرد. برخی از عوامل کالبدی در سطور پیشین معرفی شدند. عوامل غیر کالبدی نیز شامل فاکتورهایی نظیر نظم اجتماعی، سبک‌های زندگی، مسائل فرهنگی و احساسات روانی است (Khalili & Nayyeri Fallah, 2018: 443). نکته مهمی که پژوهش حاضر بر آن تأکید دارد، این است که گذشته از مؤلفه‌های کالبدی و طراحی، مؤلفه‌های دیگری نیز برای سرزندگی شهری وجود دارند که ناشی از عوامل اجتماعی، فرهنگی، ساختار سیاسی و هنجارهای رفتاری هستند که این عوامل نیز بایستی در کنار عوامل کالبدی، برای ارزیابی بهتر سرزندگی فضای شهری مورد توجه قرار گیرد. برای تدقیق بیشتر معیارهای سرزندگی خیابان‌های شهری، باید نگاهی نیز به مطالعات تجربی این حوزه داشته باشیم. لو و همکاران (۲۰۱۹) دریافته‌اند که ارتباطات محکمی بین شاخص‌های فرم شهری (مانند تراکم ساختمانی و تنوع عملکردی) و سرزندگی محله وجود دارد. برخلاف مطالعات موجود، این مطالعه نشان می‌دهد که در سرزندگی محله، تأثیر شاخص تراکم شبکه ارتباطی به‌اندازه تأثیر تراکم ساختمان و تنوع عملکردی محله، قوی نیست. بر طبق پژوهش خلیلی و نیری فلاح (۲۰۱۸)، با افزایش سرزندگی، میزان حضور زنان در فضاهای عمومی افزایش می‌یابد و از این طریق، کیفیت زندگی جمعی آن‌ها بهبود پیدا می‌کند. معیارهای سرزندگی در این مطالعه عبارت‌اند از:

- ❖ معیارهای عملکردی شامل: دسترسی‌پذیری (دسترسی فیزیکی)، آسایش (روانی)، سیال بودن فضا،
- ❖ معیارهای بصری شامل: قابل دید بودن، خوانایی، مقیاس انسانی،
- ❖ معیارهای اجتماعی شامل: حضور مردم، کارکردهای مختلط، تنوع فعالیت‌ها، عناصر فیزیکی پشتیبان،
- ❖ معیارهای فرهنگی شامل: حریم خصوصی، آشنا بودن فضا،

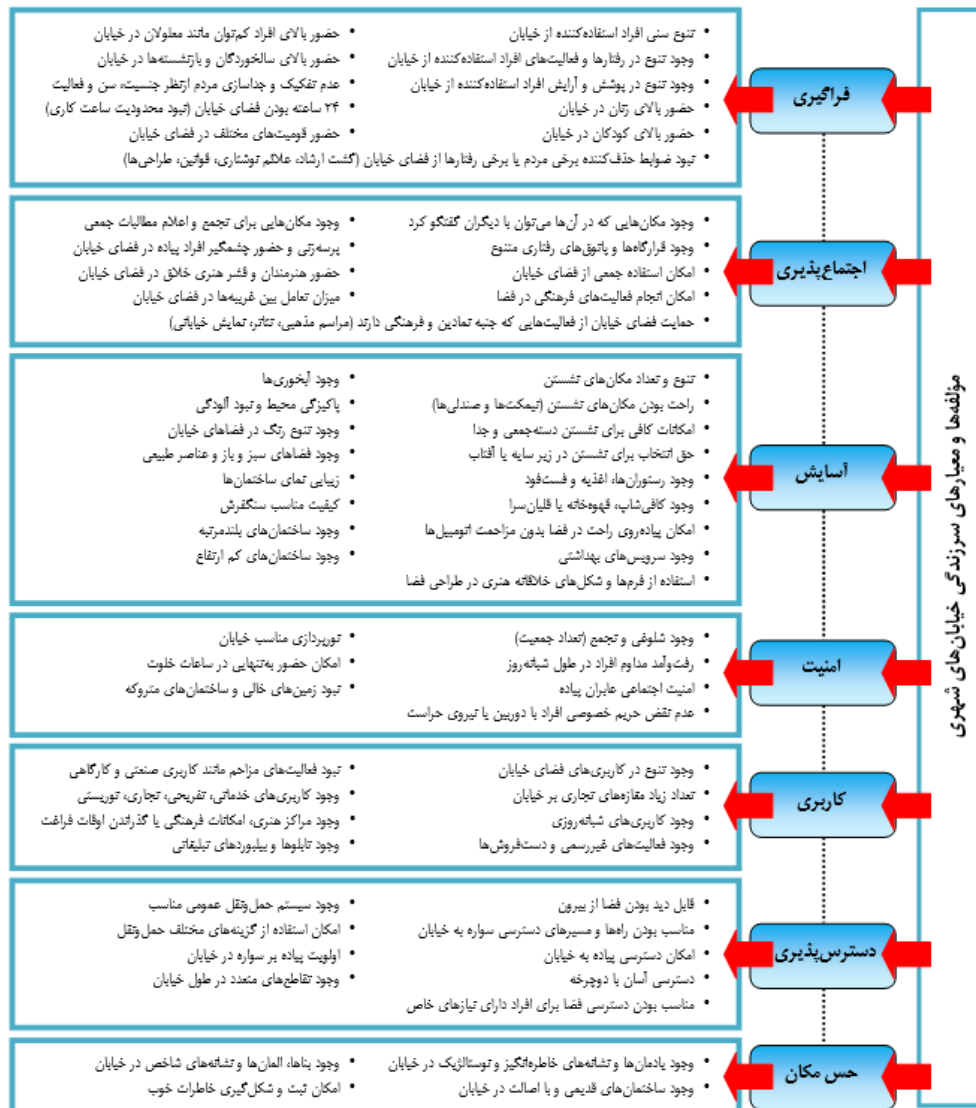
خو و همکاران (۲۰۱۸) چارچوبی را برای ارزیابی سرزندگی خیابان با در نظر گرفتن ابعاد زمانی مختلف و استفاده از سه عامل شکل خیابان، نوع کسب‌وکار خیابانی و دسترسی به خیابان ارائه داده‌اند. مارچ و همکاران (۲۰۱۲) نیز نشان داده‌اند که مناطق موفق شهری، پرجنب‌وجوش‌ترین آن‌ها هستند که دارای چهار عامل کلیدی می‌باشند: تنوع در فعالیت‌ها، تنوع در افراد استفاده‌کننده، امنیت بیشتر و جذابیت بصری بیشتر.

انطباق تعاریف و معیارهای مرور شده با کارکرد خیابان‌های شهری نشان می‌دهد که مردم عامل اساسی برای خلق سرزندگی خیابان هستند. بنابراین، واضح‌ترین بیان سرزندگی یک خیابان می‌تواند "تراکم افراد در فعالیت‌های غیرضروری باشد (Xu et al, 2018). با توجه به اینکه معیارهای بسیار متنوعی برای سرزندگی خیابان‌های شهری وجود دارد، معیارهای پرتکرار بر اساس منابع معتبر در جدول شماره ۱ قابل مشاهده است:

جدول شماره ۱. معیارهای سرزندگی خیابان‌های شهری بر اساس دیدگاه صاحب‌نظران اصلی

مؤلفه‌ها و معیارها	محقق
❖ تراکم، زیست‌پذیری، دسترسی، تنوع	Zeng et al (2018)
❖ قابلیت شناسایی، دسترسی و استفاده آسان، ایمن بودن فضا، راحتی فضا	Garvin (2016)
❖ لبه‌های فعال جلویی و ارتباط مناسب بین فعالیت‌های داخل و خارج بناها، مقیاس انسانی فضا، اجتناب از نماهای شیشه‌ای درخشان به دلیل خاصیت غیر دعوت‌کنندگی، تراکم مناسب، فواصل قابل قبول پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری، توقف‌های زیاد مردم در فضا (کیفیت)، حضور تعداد زیاد مردم در فضا (کمیت)، ۱۵ الی ۲۰ مغازه در هر ۱۰۰ متر خیابان، طبقات همکف فعال، سرعت کم اتومبیل‌ها، اولویت پیاده بر سواره در خیابان	Gehl (2011)
❖ افزایش جریان پیاده، شبکه‌های حمل‌ونقل همگانی، انعطاف داشتن کاربری‌ها، شبکه به‌هم‌پیوسته فضای سبز، تنوع کاربری‌های تجاری و غیرتجاری، امکان رؤیت و نفوذپذیری بصری	Barton et.al (2010)
❖ فعالیت‌های روزمره برنامه‌ریزی نشده، رفت‌وآمد عابران پیاده، توقف‌های کوتاه، بازی‌ها و فعالیت‌های اجتماعی ساده	Brenner et.al (2009)
❖ فقدان زمین‌های خالی و متروکه؛ فقدان بناهای خالی و پنجره‌های مسدود، تنوع کاربری، مکان‌های ملاقات، نشاط و سرخوشی، قابل دسترس بودن تسهیلات بازی، ترغیب تعامل با فضا، ورودی‌های متعدد ساختمان‌ها	Carmona et.al (2008)
❖ میزبانی از مردم؛ نزدیکی به مراکز خرده‌فروشی، گنجایش فضای عمومی برای میزبانی مراسم‌ها، احاطه شدن فضا توسط کاربری‌های تجاری، جایگاه‌های مناسب نشستن، کاربری منعطف، راحتی، سازگاری کیفیت بالا در عین سادگی	Paumier (2007)
❖ گفتگو و دیدار آسان مردم با یکدیگر، برپایی جشن‌ها و جشنواره‌ها، ترس‌آور نبودن فضا، فضایی برای اجتماعی شدن و یادگیری اجتماعی، تأیید و قابل احترام بودن برای همدیگر، زیبایی‌شناسی فضا، احترام به دانش و همفکری ساکنان	Timmer et.al (2006)
❖ رعایت مقیاس انسانی در طراحی نما، فراهم نمودن گزینه‌های متنوع در سکونت، خرید و تفریحات، تقویت اختلاط کاربری، تأمین گزینه‌های متنوع رفت‌وآمد شامل پیاده‌روی، دوچرخه‌سواری، استفاده از وسایل حمل‌ونقل عمومی و اتومبیل شخصی، خلق مکان‌های قابل شناسایی و پذیرا، خلق هویت، حس مکان و شخصیت منحصربه‌فرد، حفاظت از فضاهای سبز و باز و عناصر طبیعی، رعایت کیفیت بالای طراحی در تک بناها	Allison et.al (2005)
❖ جذابیت (تأسیسات هنری، امکانات فرهنگی یا گذراندن اوقات فراغت و ...)، دسترسی (زمان و هزینه رسیدن مردم به فضای موردنظر)، امنیت، هویت، فضای عمومی خوب، خرید و گردشگری، حمل‌ونقل عمومی	Chapman (2003)
❖ نفوذپذیری کالبدی و بصری، امکانات برای نشستن دسته‌جمعی و جدا، آفتاب‌گیری، زیبایی فضا، شکل و اندازه فضاها	Whyte (2001)
❖ تراکم افراد، تنوع، دسترسی، امنیت، هویت و تمایز، خلاقیت و مشارکت در تصمیم‌گیری، ظرفیت سازمانی و رقابت	Landry (2000)
❖ فرهنگ‌های مختلف، جنس و سنین مختلف	Rapoport (1994)

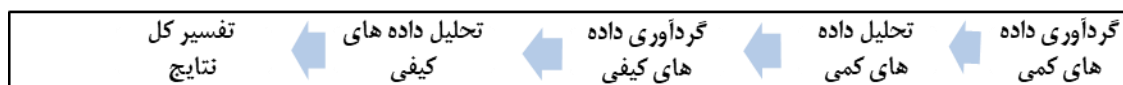
با جمع‌بندی و بومی‌سازی معیارها و با در نظر گرفتن نقش و دیدگاه شهروندان در ارزیابی معیارهای مؤثر بر سرزندگی خیابان ولیعصر، مدل مفهومی پژوهش در قالب ۷ مؤلفه و ۶۵ معیار به دست آمد که در شکل شماره ۱ مشاهده می‌شود. مؤلفه‌های اصلی عبارت‌اند از: فراگیری (شمولیت)، اجتماع‌پذیری، آسایش، امنیت، کاربری، دسترس‌پذیری، و حس مکان.



شکل شماره ۱. معیارهای ارزیابی ترجیحات کاربران از سرزندگی خیابان ولیعصر تهران

روش پژوهش

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش، روش ترکیبی است که رهیافت کمی و کیفی را در قالب روش‌شناسی یک مطالعه واحد باهم ترکیب می‌کند (Creswell, 2013; Tashakkori & Tedly, 2010). نحوه ترکیب روش‌های کمی و کیفی می‌تواند به شیوه متوالی، هم‌زمان و یا تغییرپذیر انجام گیرد (Creswell, 2013). در مطالعه حاضر، از طرح «متوالی تبیینی» با غلبه داده‌های کمی استفاده شده است. در این مدل ابتدا داده‌های کمی گردآوری و تحلیل می‌شوند، سپس در مرحله دوم داده‌های کیفی (به‌عنوان طرح مکمل)، گردآوری و تحلیل می‌شوند. در نهایت، هر دو تحلیل کمی و کیفی یکجا مورد تفسیر قرار می‌گیرد (محمدپور، ۱۳۸۹: ۸۸).



شکل شماره ۲. مدل طرح ترکیبی متوالی - تبیینی، منبع: (محمدپور، ۱۳۸۹: ۸۸)

مطالعه حاضر از لحاظ هدف، جزو پژوهش‌های کاربردی و از نظر مسیر اجرایی، جزو پژوهش‌های ارزیابی محسوب می‌شود. جامعه آماری پژوهش، افراد مرتبط با فضای خیابان ولیعصر تهران هستند که شامل گروه‌های زیر می‌باشند:

۱) کاربران عبوری و افرادی که به‌طور روزانه یا غیر دائم از خیابان ولیعصر استفاده می‌کنند.
 ۲) برخی از شهروندان مطلع که دارای آشنایی قبلی با محقق بوده و شناخت کافی از خیابان ولیعصر دارند.
 ۳) برخی از کسبه و مغازه‌داران راسته‌های تجاری خیابان ولیعصر

حجم نمونه گروه اول برابر با ۱۸۰ نفر (۶۰ نفر از هر سکانس)، گروه دوم ۱۵ نفر و گروه سوم ۱۰ نفر تعیین گردید که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود. گردآوری داده‌ها با استفاده از ابزار پرسشنامه، مشاهده میدانی و فرم‌های مصاحبه نیمه ساخت‌یافته انجام شد. سؤالات فرم پرسشنامه، بر اساس معیارهای مستخرج از ادبیات نظری در قالب ۷ مؤلفه کلیدی و ۶۵ سؤال به دست آمد. به دلیل حساسیت متغیرها و ضرورت تمایز گذاری بین آن‌ها، از طیف لیکرت ۹ گزینه‌ای برای اندازه‌گیری سؤالات استفاده شد که شامل گزینه‌های بسیار بی‌اهمیت (مقدار ۱) تا بسیار مهم (مقدار ۹) بود. عدد ۵ به‌عنوان حد وسط و میانگین مورد انتظار برای قضاوت در مورد متغیرها تعیین گردید. همچنین تعدادی سؤال باز نیز در هر یک از مؤلفه‌های ۷ گانه به‌عنوان سؤالات مکمل کیفی، در راستای سؤالات پرسشنامه، از پاسخگویان پرسیده شد. تم اصلی و درون‌مایه کلیه سؤالات به شکلی بود که ترجیحات شهروندان را در خصوص هر یک از عوامل مؤثر بر سرزندگی خیابان ولیعصر ارزیابی کند. روایی صوری و محتوایی سؤالات، بر اساس نظرات ۵ تن از اساتید متخصص در موضوعات «فضای عمومی» انجام شد و پایایی سؤالات نیز بر اساس آزمون آلفا با ۳۰ نمونه (۱۰ نفر از هر سکانس) تأیید گردید که نتایج آن برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۷۴ و برای هر یک از مؤلفه‌ها بر طبق جدول شماره ۳ بود.

جدول شماره ۲. مشخصات اعضای نمونه و نحوه نمونه‌گیری

گروه‌ها	سکانس اول	سکانس دوم	سکانس سوم	روش نمونه‌گیری	استفاده در بخش کمی	استفاده در بخش کیفی
کاربران عبوری	۶۰ نفر	۶۰ نفر	۶۰ نفر	تصادفی در دسترس	✓	
شهروندان مطلع و آگاه	مجموعاً ۱۵ نفر که آشنا با هر سه سکانس بودند			هدفمند		✓
کسبه و مغازه‌داران	۴ نفر	۳ نفر	۳ نفر	تصادفی در دسترس		✓

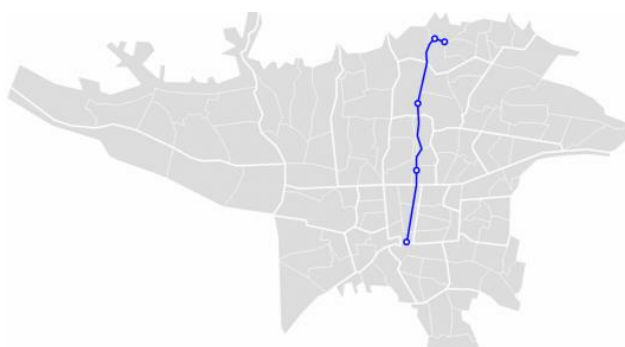
جدول شماره ۳. نتایج آزمون آلفا برحسب مؤلفه‌های ۷ گانه پرسشنامه

مؤلفه‌های اصلی	فراگیری	اجتماع‌پذیری	آسایش	امنیت	کاربری	دسترس‌پذیری	حس مکان
تعداد سؤالات	۱۱	۹	۱۷	۷	۸	۹	۴
مقدار آلفا	۰/۷۱	۰/۷۵	۰/۷۱	۰/۷۴	۰/۷۵	۰/۷۲	۰/۸۳

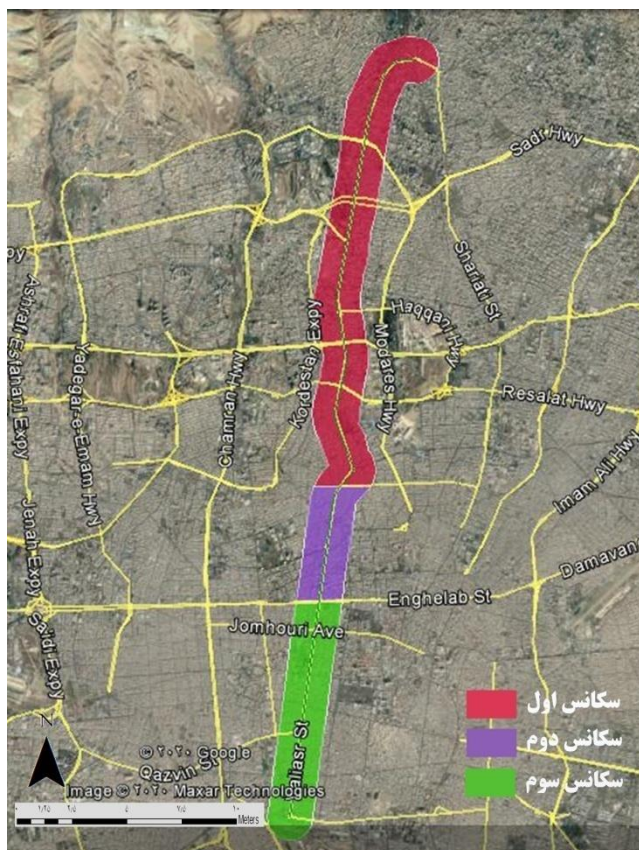
محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه این پژوهش، خیابان ولیعصر تهران است که در سه سکانس به شرح زیر مطالعه شده است:

- ❖ سکانس اول حدفاصل بین میدان تجریش و میدان ونک واقع در منطقه ۱ و ۳
- ❖ سکانس دوم حدفاصل بین چهارراه ولیعصر و میدان ونک واقع در منطقه ۶ و ۳
- ❖ سکانس سوم حدفاصل بین چهارراه ولیعصر و میدان راه‌آهن واقع در منطقه ۱۱



شکل شماره ۳. نمای کلی خیابان ولیعصر بر روی نقشه تهران



شکل شماره ۴. موقعیت سکانس‌های مورد بررسی خیابان ولیعصر

بحث و یافته‌ها

برابر با ۵۴ درصد از مشارکت‌کنندگان در این مطالعه مرد و مابقی زن بودند. با توجه به نحوه نمونه‌گیری (که از نوع در دسترس بود)، سعی شد تمام گروه‌های سنی در انتخاب پاسخگویان لحاظ شوند. بر همین اساس، در حدود ۱۵ درصد از نمونه برای هر یک از گروه‌های سنی زیر ۲۰ سال، ۲۰-۳۰ سال، ۳۰-۴۰ سال، ۴۰-۵۰ سال، ۵۰-۶۰ سال و بالاتر از ۶۰ سال اختصاص داده شد. بنابراین فراوانی پاسخگویان در تمامی گروه‌های سنی تقریباً برابر بود. ۴۲ درصد از این افراد، به‌صورت روزانه از خیابان ولیعصر استفاده می‌کنند. همچنین ۷۰ درصد از پاسخگویان، ساکن محله‌های اطراف خیابان ولیعصر بودند. در ادامه، نتایج کمی ارزیابی ترجیحات کاربران از معیارهای سرزندگی خیابان ولیعصر ارائه شده است.

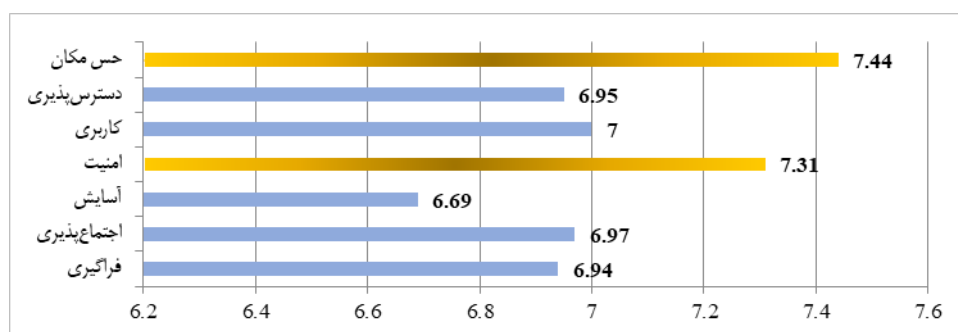
جدول شماره ۴. میانگین متغیرهای مؤثر بر سرزندگی خیابان ولیعصر از دیدگاه کاربران

مولفه	سوالات	میانگین سکانس اول	میانگین سکانس دوم	میانگین سکانس سوم	میانگین کل	نمره T	Sig
فراگیری	تنوع سنی افراد استفاده کننده از خیابان	۶/۲۳	۶/۴۲	۵/۷۷	۶/۱۴	۸/۳۰۸	۰/۰۰۰
	وجود تنوع در رفتارها و فعالیت‌های افراد استفاده کننده از خیابان	۷/۷۲	۸/۱۷	۷/۷۵	۷/۸۸	۲۴/۳۶۹	۰/۰۰۰
	وجود تنوع در پوشش و آرایش افراد استفاده کننده از خیابان	۷/۷۲	۷/۹۰	۷/۶۰	۷/۷۴	۲۴/۸۰۸	۰/۰۰۰
	حضور بالای زنان در خیابان	۸/۱۵	۸/۱۰	۸/۰۷	۸/۱۱	۳۲/۳۴۷	۰/۰۰۰
	حضور بالای کودکان در خیابان	۵/۸۸	۷/۰۵	۶/۳۵	۶/۴۳	۱۰/۷۷۲	۰/۰۰۰
	حضور بالای افراد کم توان مانند معلولان در خیابان	۶/۵۵	۷/۵۳	۶/۷۲	۶/۹۳	۱۴/۷۸۱	۰/۰۰۰
	حضور بالای سالخورده‌گان و بازنشسته‌ها در خیابان	۶/۴۸	۷/۱۲	۶/۲۲	۶/۶۱	۱۱/۴۵۵	۰/۰۰۰
	عدم تفکیک و جداسازی مردم از نظر جنسیت، سن و فعالیت	۷/۸۰	۷/۹۳	۷/۵۰	۷/۷۴	۲۳/۵۳۲	۰/۰۰۰
	۲۴ ساعته بودن فضای خیابان (نبود محدودیت ساعت کاری)	۷/۰۳	۷/۸۸	۶/۶۵	۷/۱۹	۱۸/۲۸۸	۰/۰۰۰
	نبود ضوابط حذف کننده برخی مردم یا برخی رفتارها از فضای	۷/۶۳	۸	۷/۵۰	۷/۷۱	۲۲/۶۶۶	۰/۰۰۰

						خیابان (گشت ارشاد، علائم نوشتاری، قوانین، طراحی‌ها)	
	۰/۰۰۰	۷/۶۱۱	۳/۸۶	۳/۷۸	۳/۶۷	۴/۱۳	حضور قومیت‌های مختلف در فضای خیابان
	۰/۰۰۰	۱۴/۳۱۴	۶/۶۴	۷/۶۶	۷/۰۷	۶/۱۰	وجود مکان‌هایی که در آن‌ها می‌توان با دیگران گفتگو کرد
	۰/۰۰۰	۱۶/۲۲۳	۶/۹۹	۷/۱۲	۷/۴۵	۶/۴۲	وجود قرارگاه‌ها و پاتوق‌های رفتاری متنوع
	۰/۰۰۰	۱۲/۶۹۲	۶/۵۵	۶/۷۷	۶/۷۸	۶/۱۰	امکان استفاده جمعی از فضای خیابان
	۰/۰۰۰	۱۴/۰۶۵	۶/۶۹	۶/۷۷	۶/۹۲	۶/۳۸	امکان انجام فعالیت‌های فرهنگی در فضا
اجتماع	۰/۰۰۰	۱۶/۱۸۶	۶/۹۴	۶/۷۷	۷/۳۸	۶/۶۷	وجود مکان‌هایی برای تجمع و اعلام مطالبات جمعی
پذیری	۰/۰۰۰	۲۹/۹۴۴	۸/۱۳	۸/۴۵	۸/۴۲	۷/۵۳	پرسه‌زنی و حضور چشمگیر افراد پیاده در فضای خیابان
	۰/۰۰۰	۱۴/۲۸۲	۶/۶۹	۶/۴۰	۷/۱۷	۶/۵۰	حمایت فضای خیابان از فعالیت‌هایی که جنبه نمادین و فرهنگی دارند (مراسم مذهبی، تئاتر، نمایش خیابانی)
	۰/۰۰۰	۱۸/۷۳۱	۷/۴۱	۷/۳۸	۷/۷۷	۷/۰۷	حضور هنرمندان و قشر هنری خلاق در فضای خیابان
	۰/۰۰۰	۱۳/۵۲۵	۶/۷۳	۵/۷۷	۶/۹۰	۷/۵۳	میزان تعامل بین غریبه‌ها در فضای خیابان
	۰/۰۰۰	۱۶/۵۲۹	۷/۲۰	۷/۲۷	۷/۵۳	۶/۸۰	تنوع و تعداد مکان‌های نشستن
	۰/۰۰۰	۱۸/۴۰۳	۷/۰۴	۶/۷۵	۷/۵۳	۶/۸۵	راحت بودن مکان‌های نشستن (نیمکت‌ها و صندلی‌ها)
	۰/۰۰۰	۴/۳۱۷	۵/۸۲	۵/۵۷	۶/۳۸	۵/۵۰	امکانات کافی برای نشستن دسته جمعی و جدا
	۰/۰۰۰	۵/۸۸۶	۶/۰۹	۵/۷۷	۷/۱۸	۵/۳۲	حق انتخاب برای نشستن در زیر سایه یا آفتاب
	۰/۰۰۰	۱۹/۳۸۲	۷/۴۸	۷/۵۸	۷/۹۸	۶/۸۸	وجود رستوران‌ها، اغذیه و فست‌فود
	۰/۰۰۰	۱۴/۹۲۱	۷/۱۵	۶/۸۳	۷/۲۰	۷/۴۲	وجود کافی‌شاپ، قهوه‌خانه یا قلیان‌سرا
	۰/۰۰۰	۲۹/۹۲۲	۸/۱۳	۸/۴۵	۷/۶۸	۸/۲۵	امکان پیاده‌روی راحت در فضا بدون مزاحمت اتومبیل‌ها
	۰/۰۰۰	۱۴/۷۹۳	۶/۹۸	۶/۵۰	۷/۵۲	۶/۹۲	وجود سرویس‌های بهداشتی
آسایش	۰/۰۰۰	۱۴/۳۲۰	۶/۸۱	۶/۷۲	۷/۲۷	۶/۴۳	وجود آب‌خوری‌ها
	۰/۰۰۰	۱۰/۱۹۷	۶/۴۹	۵/۴۲	۷/۱۳	۶/۹۲	پاکیزگی محیط و نبود آلودگی
	۰/۰۰۰	۱۱/۰۰۰	۶/۴۷	۵/۶۳	۷	۶/۷۷	وجود تنوع رنگ در فضاهای خیابان
	۰/۰۰۰	۱۴/۷۴۸	۶/۷۲	۶/۸۷	۶/۹۷	۶/۳۲	وجود فضاهای سبز و باز و عناصر طبیعی
	۰/۰۰۰	۱۹/۲۷۷	۷/۳۴	۶/۷۵	۷/۹۰	۷/۳۷	زیبایی نمای ساختمان‌ها
	۰/۰۳۷	۲/۱۰۶	۵/۴۸	۴/۵۸	۶/۰۳	۵/۸۲	کیفیت مناسب سنگفرش
	۰/۰۰۰	۱۴/۲۲۵	۷/۰۱	۶/۶۸	۷/۶۲	۶/۷۳	استفاده از فرم‌ها و شکل‌های خلاقانه هنری در طراحی فضا
	۰/۱۷۱	-۱/۳۷۵	۴/۶۷	۴/۲۸	۵/۱۵	۴/۵۸	وجود ساختمان‌های بلندمرتبه در خیابان
	۰/۰۰۰	۱۴/۱۸۰	۶/۹۷	۶/۸۸	۷/۴۸	۶/۵۳	وجود ساختمان‌های کم‌ارتفاع در خیابان
	۰/۰۰۰	۱۱/۴۹۲	۶/۷۶	۶/۱۰	۷/۹۳	۶/۲۵	وجود شلوغی و تجمع (تعداد جمعیت)
	۰/۰۰۰	۱۷/۰۱۳	۷/۲۰	۷	۷/۸۰	۶/۸۰	رفت و آمد مداوم افراد در طول شبانه‌روز
	۰/۰۰۰	۲۶/۳۹۳	۷/۸۸	۷/۸۲	۷/۹۷	۷/۸۷	امنیت اجتماعی عابران پیاده
امنیت	۰/۰۰۰	۱۷/۰۶۶	۷/۳۵	۶/۹۳	۸/۲۳	۶/۸۸	نورپردازی مناسب خیابان
	۰/۰۰۰	۱۵/۶۵۱	۷/۱۶	۶/۷۰	۸/۰۲	۶/۷۷	امکان حضور به تنهایی در ساعات خلوت
	۰/۰۰۰	۲۳/۰۸۶	۷/۸۷	۸/۰۲	۷/۸۷	۷/۷۲	عدم نقض حریم خصوصی افراد با دوربین یا نیروی حراست
	۰/۰۰۰	۱۴/۳۲۸	۶/۹۸	۷/۰۵	۷/۸۵	۶/۰۳	نبود زمین‌های خالی و ساختمان‌های متروکه
	۰/۰۰۰	۱۵/۷۷۴	۷/۲۷	۷/۲۸	۷/۸۷	۶/۶۵	وجود تنوع در کاربری‌های فضای خیابان
	۰/۰۰۰	۲۲/۴۴۱	۷/۸۴	۸/۱۲	۸/۱۲	۷/۳۰	تعداد زیاد مغازه‌های تجاری بر خیابان
	۰/۰۰۰	۱۴/۷۵۳	۷/۱۱	۶/۶۷	۷/۹۰	۶/۷۷	وجود کاربری‌های شبانه‌روزی
کاربری	۰/۰۰۰	۱۵/۰۵۶	۷/۰۷	۶/۹۳	۷/۵۲	۶/۷۷	وجود فعالیت‌های غیر رسمی و دستفروش‌ها
	۰/۰۰۰	۱۶/۴۳۰	۶/۶۱	۶/۷۷	۶/۶۰	۶/۴۵	نبود فعالیت‌های مزاحم مانند کاربری صنعتی و کارگاهی
	۰/۰۰۰	۱۳/۷۵۵	۷/۲۶	۷/۰۵	۸	۶/۷۳	وجود کاربری‌های خدماتی، تفریحی، تجاری، توریستی
	۰/۰۰۰	۱۶/۳۳۱	۶/۶۵	۶/۵۳	۷/۱۰	۶/۳۲	وجود مراکز هنری، امکان‌ات فرهنگی یا گذراندن اوقات فراغت
	۰/۰۰۰	۹/۲۹۵	۶/۲۲	۶/۵۳	۶/۴۲	۵/۷۲	وجود تابلوها و بیلборدهای تبلیغاتی
	۰/۰۰۰	۱۱/۸۲۳	۶/۳۷	۶/۰۸	۶/۸۵	۶/۱۸	قابل دید بودن فضا از بیرون
دسترس	۰/۰۰۰	۱۱/۹۱۹	۶/۳۹	۶/۴۰	۶/۷۰	۶/۰۸	مناسب بودن راه‌ها و مسیرهای دسترسی سواره به خیابان
پذیری	۰/۰۰۰	۲۶/۰۲۵	۷/۷۵	۷/۵۳	۸/۱۸	۷/۵۳	امکان دسترسی پیاده به خیابان
	۰/۰۰۰	۱۶/۲۸۱	۶/۷۹	۶/۹۰	۷/۱۵	۶/۳۳	دسترسی آسان با دوچرخه

وجود سیستم حمل و نقل عمومی مناسب	۷/۱۲	۷/۵۳	۷/۶۰	۷/۴۲	۱۹/۸۰۵	۰/۰۰۰
امکان استفاده از گزینه‌های مختلف حمل و نقل	۵/۷۰	۶/۸۵	۶/۷۵	۶/۴۳	۱۲/۸۶۱	۰/۰۰۰
اولویت پیاده بر سواره در خیابان	۷/۹۵	۸/۲۲	۷/۹۳	۸/۰۳	۳۳/۶۵۱	۰/۰۰۰
مناسب بودن دسترسی فضا برای افراد دارای نیازهای خاص	۶/۵۲	۶/۸۰	۶/۶۲	۶/۶۴	۱۳/۱۵۸	۰/۰۰۰
وجود تقاطع‌های متعدد در طول خیابان	۶/۵۰	۶/۸۳	۶/۹۲	۶/۷۵	۱۳/۰۹۱	۰/۰۰۰
وجود یادمان‌ها و نشانه‌های خاطره‌انگیز و نوستالژیک در خیابان	۸/۰۸	۷/۶۰	۷/۲۷	۷/۶۵	۲۸/۲۷۸	۰/۰۰۰
وجود ساختمان‌های قدیمی و با اصالت در خیابان	۷/۲۰	۷/۹۰	۸/۰۳	۷/۷۱	۲۴/۲۴۲	۰/۰۰۰
وجود بناها، المان‌ها و نشانه‌های شاخص در خیابان	۷/۰۳	۶/۸۰	۶/۸۳	۶/۸۹	۱۷/۲۱۸	۰/۰۰۰
امکان ثبت و شکل‌گیری خاطرات خوب	۷/۷۳	۷/۸۸	۷/۲۲	۷/۵۱	۲۳/۷۳۴	۰/۰۰۰

بر اساس نتایج بخش کمی، بیشتر متغیرها دارای میانگین بالاتر از متوسط بودند که این نتیجه چندان هم دور از ذهن نبود. با توجه به اینکه متغیرهای بررسی‌شده، همگی بر اساس ادبیات نظری سرزندگی به‌دست‌آمده و تمامی آن‌ها دارای درجه‌ای از اهمیت بودند، بنابراین مسلم است که کاربران خیابان ولیعصر نیز آن‌ها را مهم ارزیابی کنند. باین‌حال، عواملی مانند «حضور زنان»، «امکان پرسه‌زنی و پیاده‌روی راحت»، «اولویت پیاده بر سواره»، «وجود تنوع در رفتار» و «وجود امنیت»، اهمیت بیشتری از نظر کاربران داشتند. در مقابل متغیرهایی همچون «حضور قومیت‌های مختلف»، «وجود ساختمان‌های بلندمرتبه»، «کیفیت سنگفرش» و «امکانات نشستن دسته‌جمعی و جدا»، میانگین‌های بسیار پایینی داشتند. در مجموع، کاربران به متغیرهای مربوط به حس مکان و امنیت اهمیت بیشتری قائل‌اند (شکل شماره ۵).



شکل شماره ۵. ترجیحات کاربران بر اساس مؤلفه‌های ۷ گانه سرزندگی در خیابان ولیعصر

چنانکه در جدول شماره ۵ ملاحظه می‌شود، ۱۵ متغیر نخست که بیشترین ترجیح را از سوی کاربران داشتند، اکثراً جزو متغیرهای غیر کالبدی محسوب می‌شوند که مبتنی بر ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور هستند.

جدول شماره ۵. مهم‌ترین متغیرهای اثرگذار بر سرزندگی خیابان ولیعصر از دیدگاه کاربران به ترتیب اهمیت

متغیرها	نوع متغیر	متغیرها	نوع متغیر
۱- پرسه‌زنی و حضور چشمگیر افراد پیاده در فضای خیابان	غیر کالبدی	۹- امکان دسترسی پیاده به خیابان	کالبدی
۲- امکان پیاده‌روی راحت در فضا بدون مزاحمت اتومبیل‌ها	کالبدی	۱۰- وجود تنوع در پوشش و آرایش افراد	غیر کالبدی
۳- حضور بالای زنان در خیابان	غیر کالبدی	۱۱- عدم تفکیک و جداسازی مردم	غیر کالبدی
۴- اولویت پیاده بر سواره در خیابان	کالبدی	۱۲- نبود ضوابط حذف‌کننده برخی مردم یا برخی رفتارها	غیر کالبدی
۵- وجود تنوع در رفتارها و فعالیت‌های افراد	غیر کالبدی	۱۳- وجود ساختمان‌های قدیمی و با اصالت	کالبدی
۶- امنیت اجتماعی عابران پیاده	غیر کالبدی	۱۴- وجود یادمان‌ها و نشانه‌های خاطره‌انگیز	کالبدی
۷- عدم نقض حریم خصوصی کاربران	غیر کالبدی	۱۵- امکان ثبت و شکل‌گیری خاطرات خوب	غیر کالبدی
۸- تعداد زیاد مغازه‌های تجاری بر خیابان	کالبدی		

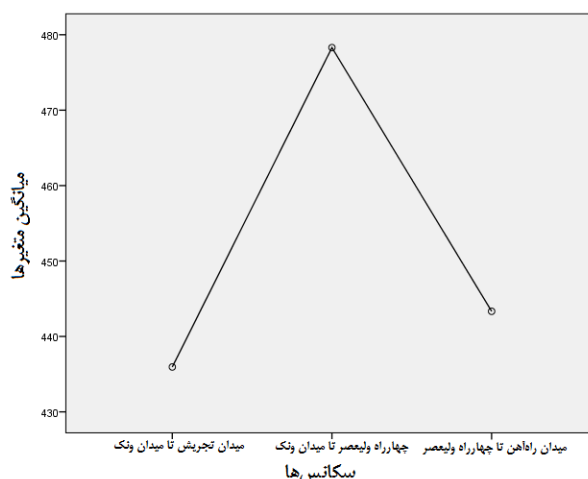
مقایسه ترجیحات کاربران برحسب سکانس‌های مختلف خیابان ولیعصر

برای مقایسه نمره کلی سکانس‌ها با یکدیگر، تمامی متغیرهای موردبررسی، در نرم‌افزار SPSS تجمیع شده و به یک

متغیر واحد تبدیل شدند. سپس آزمون لوین (برای اطلاع از برابری واریانس‌ها) و آزمون آنووا (برای اطلاع از معنی‌دار بودن تفاوت سکناس‌ها) انجام شد. با توجه به برابری واریانس‌ها و معنی‌دار بودن نسبت F در سطح $(\alpha/0.00)$ ، از تحلیل تعقیبی شفه استفاده شد. نتایج نشان داد که میانگین نمرات در سکناس اول و سوم پایین‌تر و نزدیک به هم است ولی در محدوده سکناس دوم نمرات بالاتری به معیارها داده شده و این تفاوت معنی‌دار می‌باشد (شکل شماره ۶). در واقع کاربران سکناس دوم (چهارراه ولیعصر تا میدان ونک)، با حساسیت بیشتری معیارهای سرزندگی را ارزیابی کرده‌اند. این الگوی کلی، برای تمام مؤلفه‌ها به جز حس مکان، صادق بود. اما در مورد حس مکان، پاسخ‌های ارائه شده در هر سه محدوده، مشابه بود که حاکی از وزن بالای این مؤلفه در سرزندگی خیابان ولیعصر است.

جدول شماره ۶. نتایج آزمون آنووا برای تفاوت میانگین معیارهای سرزندگی در سکناس‌های خیابان ولیعصر تهران

آزمون لوین	شرح	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	نسبت F	سطح معنی‌داری
مقدار	سطح معنی‌داری	۶۱۴۱۴/۰۷۸	۲	۳۰۷۰۷/۰۳۹	۹/۷۴۸	۰/۰۰۰
۷۰/۵۵۵	درون گروه‌ها	۵۵۷۵۹۲/۷۸۳	۱۷۷	۳۱۵۰/۲۴۲		
	مجموع	۶۱۹۰۰۶/۸۶۱	۱۷۹			



شکل شماره ۶. مقایسه میانگین معیارهای سرزندگی در سکناس‌های مورد مطالعه از خیابان ولیعصر

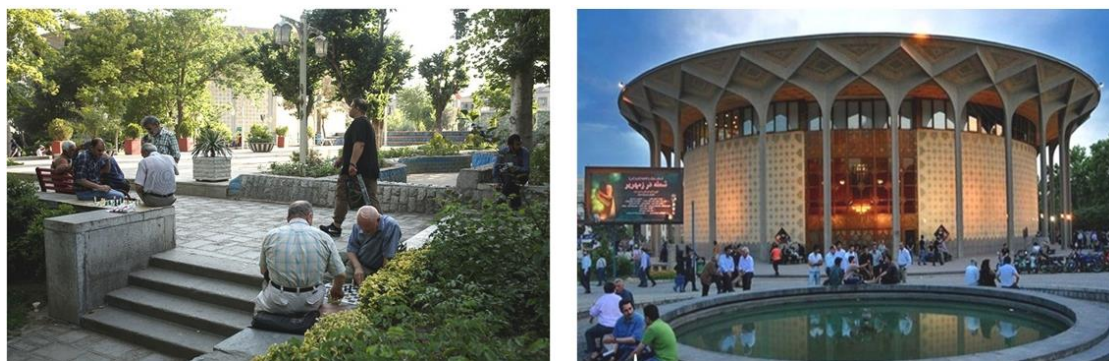
فراگیری: فراگیر بودن یک فضای عمومی، بدین معناست که آن فضا دربرگیرنده بیشترین طیف افراد و بیشترین تنوع در رفتارها و فعالیت‌ها باشد. همچنین فراگیری، یکی از مهم‌ترین معیارهای ارزیابی عمومیت فضای عمومی است (Langstraat & Van Melik, 2013; Varna & Tiesdell, 2010). در مبحث فراگیری، یکی از یافته‌های مطالعه حاضر وجود «جوان‌گرایی در فضای عمومی» بود که به معنی ترجیح گروه‌های سنی جوان نسبت به دیگر گروه‌های سنی برای حضور در خیابان ولیعصر است. همچنین ترجیح بالا برای حضور زنان از نتایج مهم این بخش بود که به دفعات در مصاحبه‌ها مورد تأکید قرار گرفته است. در مجموع حضور گروه‌های قومی، افراد کم‌توان، سالخوردگان و حتی کودکان در فضای خیابان ولیعصر مورد حمایت پاسخگویان نبود. بنابراین کاربران خیابان ولیعصر، بیش از آنکه مایل به تنوع افراد و گروه‌های مختلف (سنی، جنسیتی، قومی، مذهبی و ...) در فضای خیابان باشند، خواهان تنوع در رفتارها و فعالیت‌ها هستند. تأکید بر آزادی استفاده از فضا، عدم کنترل پلیسی فضا، عدم تفکیک جنسیتی، آزادی در پوشش و رفتار، و ۲۴ ساعته بودن فضا از جمله شواهد تأییدکننده این ادعا است. بنابراین، الگوی مفهومی فراگیری در خیابان ولیعصر بدین صورت می‌باشد: «تمایل کاربران به فضایی همگن و یکدست اما از نظر رفتاری و فعالیتی متنوع و بدون محدودیت».

اجتماع‌پذیری: اجتماع‌پذیری، کیفیتی است که به آسانی برای یک فضای عمومی به دست نمی‌آید. اینکه یک فضای عمومی بتواند کارکردهای اجتماعی را جذب کند، مزیت مهمی است که در وهله اول به ساختار اجتماعی هر جامعه و سپس به الگوهای رفتاری و روان‌شناختی اعضای آن جامعه بستگی دارد. در نهایت خود فضا نیز باید دارای کیفیتی از

طراحی و معماری باشد که از فعالیت‌های اجتماعی حمایت کند. نتایج این بخش نشان داد که خیابان ولیعصر در گره‌های متعددی در بخش شمالی، دارای اجتماع‌پذیری است که شامل میدان تجریش، باغ فردوس، میدان ونک، میدان ولیعصر، چهارراه ولیعصر و محدوده‌های دارای پارک‌های بزرگ همچون پارک ساعی و به‌ویژه پارک ملت می‌باشد. علیرغم وجود اجتماع‌پذیری در این مکان‌ها، نتایج بخش کمی نشان داد معیارهایی که حالت جمع‌گرایانه‌تر دارند، از سوی کاربران کمتر ترجیح داده می‌شوند. مانند استفاده جمعی از خیابان، وجود مکان‌های تجمع و اعلام مطالبات جمعی، و وجود مکان‌های گفتگو و تعامل بین غریبه‌ها. در مقابل، معیارهایی مانند «پرسه‌زنی و حضور افراد پیاده در خیابان»، «وجود قرارگاه‌ها و پاتوق‌های متنوع» و «حضور هنرمندان و قشر هنری در فضای خیابان» مهم‌ترین ترجیحات کاربران در این مؤلفه بود.

همچنین برای فهم وضعیت اجتماع‌پذیری محدوده‌های موردبررسی برحسب فعالیت کاربران، دلیل حضور آن‌ها در خیابان ولیعصر پرسیده شد. پاسخ کاربران پایین‌تر از چهارراه ولیعصر شامل این موارد بود: رفتن به محل کار، رساندن فرزندان به مدرسه، خرید کردن، پیدا کردن محلی برای تفریح و مکان‌هایی امن و مناسب برای حضور خانواده‌ها؛ در مقابل، پاسخ این سؤال از کاربران بالادست خیابان بدین صورت بود: استفاده از پارک‌ها (پارک ساعی و بخصوص پارک ملت)، کافی‌شاپ‌ها و رستوران‌های کنار خیابان، استفاده از فضاهای اجتماعی از جمله میدان تجریش، باغ فردوس و خدمات اطراف میدان ولیعصر (سینماها، مراکز خرید و رستوران‌ها). حتی برخی افراد فقط از حضور صرف در خیابان و قدم زدن در پیاده‌روها و بازدید مغازه‌ها بخصوص در بخش‌های بالاتر از پارک ملت تا تجریش احساس لذت می‌کردند. این نتایج با مطالعات یان گل همخوانی دارد. همان‌طور که یان گل تأکید دارد، فعالیت‌های موجود در فضای شهری را می‌توان به سه دسته فعالیت‌های ضروری، فعالیت‌های اختیاری و فعالیت‌های اجتماعی تقسیم کرد که فعالیت‌های اجتماعی بالاترین مرحله در تکامل کارکردی فضاهای عمومی است (Gehl, 2011). بر این اساس، فعالیت‌های انجام‌شده در بخش‌های جنوبی خیابان بیشتر از نوع فعالیت‌های ضروری بود که باید در هر شرایطی انجام می‌گرفت. البته فعالیت‌های ضروری در تمام بخش‌های خیابان وجود داشت. اما فعالیت‌های اجتماعی اغلب در بخش‌هایی از نیمه شمالی مشاهده می‌شود و البته بیشتر فعالیت‌های موجود در بخش شمالی نیز، از نوع فعالیت‌های اختیاری (تفریحی و پرسه‌زنی) است.

در مجموع، الگوی مفهومی اجتماع‌پذیری خیابان ولیعصر بر مبنای دیدگاه کاربران، به این صورت به دست آمد: «اجتماع‌پذیری، بیش از آنکه از جنس ارتباط و تعامل باشد، از جنس حضور در فضا است». این الگوی مفهومی، با نظرات هانا آرنه همسو است. آرنه این‌گونه اجتماعات را جمعیتی مرکب از افراد تنها و تک افتاده توصیف می‌کند؛ یعنی تجمع افراد در یک مکان بدون پیوند با یکدیگر. در این حالت، نوعی فردگرایی بر روابط انسان‌ها حاکم می‌شود، مردم با یکدیگر پیوندهای اجتماعی برقرار نمی‌کنند و تکلیفی اجتماعی برای خودشان قائل نمی‌شوند (جانسون، ۱۳۸۵: ۶۴). در اینجا برای توضیح بیشتر این یافته، می‌توان به نظرات کاربران در خصوص یکی از معیارهای مهم اجتماع‌پذیری، یعنی ارتباط با غریبه‌ها رجوع کرد که دارای تفاوت‌هایی نیز در بین سه محدوده بود. افرادی که در حوالی میدان تجریش تا باغ فردوس مورد پرسشگری قرار گرفتند، با این قضیه برخورد تقریباً راحتی داشتند؛ یعنی ارتباط با غریبه برایشان چندان مسئله مهمی نبود و جزئی از ارتباطات عادی زندگی روزمره تلقی می‌شد. درحالی‌که کاربران در چهارراه ولیعصر و پارک دانشجو در واکنش به این سؤال، جواب‌های چالشی می‌دادند. از جمله اینکه ضرورت این ارتباط چیست؟ یا اینکه اگر در مواردی، جای بحث و نقطه هدف‌داری باشد ارتباط برقرار می‌کنم. اما در نزدیکی میدان راه‌آهن، تمایل چندان برای ارتباط با غریبه‌ها نشان نمی‌دادند. درواقع نه با این قضیه راحت برخورد می‌کردند مثل تجریش و نه برخورد چالشی مثل چهارراه ولیعصر داشتند. ولی در مجموع ارتباط با غریبه‌ها جزو ترجیحات اصلی مردم در خیابان ولیعصر نبود.



شکل شماره ۷. فضای اجتماعی چهارراه ولی عصر در حوالی تئاتر شهر

آسایش: این مؤلفه، دربرگیرنده طیف وسیعی از معیارها است که بیشتر در حیطه کالبدی و محیطی قرار می‌گیرند. برخلاف انتظار، متغیرهای آسایش در خیابان ولیعصر، دارای ترجیحات قوی از سوی کاربران نبود و کمترین نمره را در بین مؤلفه‌های ۷ گانه سرزندگی دارد. درحالی‌که پژوهش‌های دیگر نشان داده‌اند آسایش از جمله مهم‌ترین عوامل مؤثر بر سرزندگی شهری است (Garvin, 2016; Carmona et al, 2008; Paumier, 2007; Whyte, 2000). «امکان پیاده‌روی راحت بدون مزاحمت اتومبیل‌ها»، «وجود رستوران و اغذیه‌فروشی» و «زیبایی نمای ساختمان‌ها» سه معیار مهم آسایش در خیابان ولیعصر بر اساس نظر کاربران بود. معیارهای دیگر مربوط به تعداد و تنوع محل‌های نشستن، امکانات محیطی، استفاده از فرم‌های خلاقانه در طراحی فضای خیابان و ترجیح ساختمان‌های کم ارتفاع بر ساختمان‌های بلندمرتبه بود. در مجموع نتایج به‌دست‌آمده نشان داد که «ترجیح کاربران معطوف به معیارهایی از آسایش است که در ارتباط با لذت‌بخش بودن فضای خیابان قابل‌تعریف‌اند».

امنیت: یک فضای عمومی هرچقدر امن‌تر باشد به همان اندازه سرزنده‌تر است. زیرا امنیت موجب افزایش آلودگی و در نتیجه جذب هرچه بیشتر جمعیت به فضا می‌شود. از دیدگاه کاربران، «امنیت اجتماعی عابران پیاده» و «عدم نقض حریم خصوصی کاربران» دو معیار مهم در ایجاد سرزندگی خیابان ولیعصر هستند. مقایسه سکناس‌ها، نشان‌دهنده تفاوت‌هایی در ترجیحات کاربران بود. پاسخگویان پایین‌تر از چهارراه ولیعصر مخصوصاً تقاطع جمهوری، مولوی و نزدیک راه‌آهن، از آلودگی صوتی و تعداد و سرعت بالای اتومبیل‌ها و مخصوصاً موتورسیکلت‌ها بسیار ناراضی بودند و آن را یک ناامنی بزرگ برای تردد در خیابان می‌دانستند. این مورد در بخش شمالی خیابان، کمتر مشاهده شد. همچنین به دلیل ناامنی موجود در محدوده راه‌آهن تا چهارراه ولیعصر افراد مصاحبه‌شونده، با کنترل فضا توسط دوربین و نیروی حراست موافق‌تر بودند. بوستان امیریه در جنوبی‌ترین قسمت خیابان ولیعصر چندی پیش برای بازیابی امنیت پارک، نرده‌کشی و دروازه‌دار گردید. این اقدام برخلاف آنچه منتقدین در تحقیقات فضای عمومی بر آن تأکید دارند، از نظر کاربران خیابان ولیعصر مثبت ارزیابی شد. چراکه آن‌ها اعتقاد داشتند نرده‌کشی پارک تا حد زیادی منجر به افزایش امنیت پارک و تمایل خانواده‌ها به استفاده از این پارک شده است. درحالی‌که قبل از نرده‌کشی، این مکان پاتوق موادفروشان و معتادان بوده است. از نتایج دیگر این بود که بسیاری از افراد، حضور پلیس در فضا را صرفاً برای برقراری امنیت قبول داشتند نه برای مداخله در نوع پوشش و یا زندگی خصوصی مردم. درنهایت، الگوی مفهومی امنیت در خیابان ولیعصر از دید کاربران بدین صورت ترسیم شد: «امنیت اجتماعی و روانی، بیش از امنیت فیزیکی اهمیت دارد».

کاربری: آنچه سبب سرزندگی مداوم خیابان ولیعصر به‌ویژه در بخش‌های شمالی آن می‌شود، حضور کارکردهای متنوع است؛ خصلت‌های فرهنگی، خرده‌فروشی و گردشگری در کنار سکونت، عوامل مهمی در سرزندگی این خیابان است. الگوی مفهومی ترجیحات کاربران در خصوص این مؤلفه، بیشتر شامل «کاربری‌های تجاری از نوع مختلط» بود که باعث افزایش حضور پذیری و رفت‌وآمد در فضای خیابان می‌شود. نتایج پیمایش میدانی نیز نشان داد در هر نقطه از

خیابان که کاربری‌های مختلط تجاری وجود داشت، آن نقاط سرزنده‌تر و شلوغ‌تر بودند. به‌عنوان مثال حدفاصل میدان ولیعصر تا خیابان فاطمی به دلیل وجود سینماها و فست‌فودهای متعدد، مغازه‌های کیف و کفش و پوشاک و کیفیت پیاده‌روها؛ حضور شهروندان بخصوص خانواده‌ها و حالت پرسه‌زنی آن‌ها نیز بیشتر است. اما در بخش‌های زیادی از خیابان به دلیل کم شدن کاربری تجاری، تجمع کاربری‌ها و تخصصی شدن کارکردها، نوعی یکنواختی خسته‌کننده به وجود می‌آید و تمایلی برای حضور مداوم در کاربران ایجاد نمی‌شود. برای نمونه می‌توان به محدوده‌های زیر اشاره کرد:

❖ تقاطع خیابان جمهوری تا خیابان امام خمینی به دلیل تمرکز کاربری‌های فروش لوازم پزشکی و بیمارستانی،

❖ حدفاصل خیابان فاطمی تا پارک ساعی به دلیل کم‌رنگ شدن کاربری‌های تجاری،

❖ حدفاصل خیابان سی و دوم تا میدان ونک به دلیل وجود بیمارستان‌ها، کلینیک‌ها و داروخانه‌های متعدد،

در مجموع، نحوه آرایش کاربری‌ها در بخش شمالی و جنوبی خیابان، تفاوت‌های بارزی را نشان می‌دهند و بخش جنوبی دارای کاربری‌های تجمع شده و یکنواخت‌تر است و به تبع، سرزندگی کمتری دارد. از دیگر نکات قابل توجه، وجود مشاغل غیررسمی و دست‌فروشی است. نوع نگرش به دست‌فروشی در بخش‌های جنوبی خیابان، بسیار منفی بود و دست‌فروشان، عامل مزاحم برای پیاده‌روی دیده شدند. اما در سکانس اول و دوم، دست‌فروشی جزئی از منظر زنده شهری و بخشی از فضای عمومی تلقی می‌شد که در صورت ساماندهی، می‌تواند یکی از جذابیت‌های فضای خیابان باشد.

دسترس پذیری: دسترسی آسان به فضای عمومی، رابطه مستقیمی با میزان سرزندگی آن دارد. همان‌طور که مونت‌گمری تأکید دارد، یک فضای عمومی دسترس‌پذیر به کاربران خود اجازه می‌دهد تا به راحتی وارد آن فضا شده و فعالیت‌های روزمره خود را در آنجا انجام دهند (Montgomery, 1998: 102). همچنین دسترس‌پذیری یکی از سه جزء اصلی هر قلمرو عمومی است که دو جزء دیگر آن شامل برابری و امنیت است (Jalaladdini & Oktay, 2011: 667). امکان دسترسی بدون اتومبیل، از مهم‌ترین مصادیق دسترس‌پذیری یک فضای عمومی است که شامل دسترسی پیاده، دسترسی با حمل‌ونقل عمومی، و دسترسی با دوچرخه می‌باشد (Herrmann Lunecke & Mora, 2017). از بین این سه عامل نیز ارتقای قابلیت پیاده‌روی، عامل مهم‌تری در سرزندگی خیابان‌ها است (Forsyth, 2008: 11). بر اساس نتایج این بخش، ترجیحات کاربران از دسترس‌پذیری خیابان ولیعصر، بیشتر معطوف به الگوی مفهومی «پیاده محوری و مقیاس انسانی دسترس‌پذیری» است و می‌توان گفت بالا بودن میانگین پیاده محوری و دسترسی پیاده در تمامی بخش‌های پرسشنامه نیز به همین دلیل است. به‌طور کلی، بخش شمالی خیابان ولیعصر از نظر قابلیت پیاده‌روی بهتر از بخش جنوبی آن است که دلیل آن عریض‌تر بودن پیاده‌روها، وجود چنارهای سایه‌انداز، کیفیت سنگفرش‌ها و وجود کاربری‌های مختلط است که باعث جذب بیشتر جمعیت به این پیاده‌روها می‌شود. از نظر پاسخگویان، بهترین نقاط خیابان ولیعصر برای پیاده‌روی، یکی فضای مابین چهارراه ولیعصر تا خیابان فاطمی و دیگری حدفاصل میدان تجریش تا پارک ملت است که به دلیل ویژگی‌های گفته‌شده، انگیزه پرسه‌زنی و پیاده‌روی شهروندان را افزایش می‌دهد.

با وجود تمامی این ظرفیت‌ها، در سال‌های اخیر دسترس‌پذیری و عملکرد پیاده خیابان ولیعصر دستخوش تغییراتی شده است که به‌سختی می‌توان این تغییرات را مثبت تلقی کرد. بسیاری از کاربران معتقد بودند که یک‌طرفه شدن خیابان ولیعصر به‌ویژه در محدوده چهارراه ولیعصر، نظم موجود آن را به هم زده و منجر به نوعی آشفتگی تردد شده است. نتایج دیگر حاکی از نارضایتی مردم از زیرگذر و نرده‌های پیرامون چهارراه ولیعصر بود. یکی از هنرمندان تئاتر شهر تأکید داشت که ۵ سال است از این زیرگذر استفاده می‌کند و هنوز هم در آنجا گم می‌شود! نتایج یک مطالعه مشابه نیز نشان می‌دهد که زیرگذر و نرده‌کشی چهارراه ولیعصر، فضای اجتماعی آن را تا حد زیادی تضعیف کرده است (رضایی‌نیا، ۱۳۹۷).

حس مکان: حس مکان از جمله عوامل محرک سرزندگی فضاهای شهری است که خود تحت تأثیر مؤلفه‌های دیگری همچون کیفیت طراحی و معماری، هویت تاریخی و سابقه سکونت پدید می‌آید. ادوارد رلف، سه عامل ساختار فیزیکی، فعالیت و معنا را برای ایجاد حس مکان در مردم تأثیرگذار می‌داند (Carmona et al, 2008: 9). ابعاد مختلف حس

مکان شامل حس تعلق به مکان، هویت‌مندی مکان، دل‌نشینی مکان و جذابیت مکان است (Kavaratzis & Hatch, 2013; Kalandides, 2011; Shaftoe, 2008; Punter, 1999). نتایج ارزیابی حس مکان در خیابان ولیعصر نشان داد که کاربران حوالی میدان تجریش، باغ فردوس و سالمندان و بازنشستگان پارک ملت که بومی این منطقه بودند، اکثراً حس تعلق زیادی به خیابان ولیعصر مخصوصاً از پارک ملت به بالا داشتند. آن‌ها پیاده‌روهای سایه‌دار و درختان چنار را از معدود موارد تقریباً دست‌نخورده این خیابان می‌دانستند. چنین حسی به فضای خیابان، در جواب کاربران چهارراه ولیعصر کمتر دیده می‌شد؛ تنها وجود ساختمان تئاتر شهر، میدان ولیعصر، پارک ملت، باغ فردوس و حوالی تعلق به این بخش از خیابان می‌دانستند. در مجموع محدوده تئاتر شهر، میدان ولیعصر، پارک ملت، باغ فردوس و حوالی میدان تجریش به‌عنوان مکان‌های جذاب خیابان ولیعصر اعلام شدند و نکته جالب‌توجه این بود که هیچ‌یک از مصاحبه‌شوندگان در شناسایی مکان‌های جذاب، به پایین‌تر از چهارراه ولیعصر اشاره نکردند. از نگاه کاربران، دلایل جذابیت مکان‌های اعلام‌شده، در درجه نخست حضور زنان و سپس عواملی مانند کیفیت طراحی و معماری، امکان پرسه‌زنی راحت و کاربری‌های تجاری و تفریحی بود که در بخش‌های قبلی نیز به آن‌ها اشاره شد. همچنین در خصوص حضور زنان، پیمایش میدانی نتیجه تطبیقی جالبی را نشان داد و آن اینکه هر جا زنان حضور قابل‌ملاحظه‌ای داشتند و با مزاحمت‌های کمتری مواجه می‌شدند، همان مکان‌ها از نگاه کاربران به‌عنوان مکان جذاب و سرزنده شناخته می‌شدند. در مقابل، مصاحبه‌شوندگان در پاسخ به این سؤال که کدام قسمت‌های خیابان ولیعصر خوشایند نیست، به مکان‌هایی اشاره کردند که اکثراً پایین‌تر از چهارراه ولیعصر قرار دارند. دلایل ذکرشده، به شرح جدول شماره ۷ است که همسو با نتایج مشاهدات و نتایج داده‌های کمی است و تأییدکننده عدم سرزندگی بخش جنوبی خیابان ولیعصر می‌باشد.

جدول شماره ۷. دلایل بی‌علاقگی کاربران به بخش‌های جنوبی خیابان ولیعصر بر اساس بیشترین تکرار پاسخ‌ها

کم‌عرض بودن پیاده‌روها نسبت به قسمت‌های بالادست خیابان	سد معبر پیاده‌روها با پارک موتورسیکلت‌ها و لوازم اضافی مغازه‌ها
نبود فضای باز و سبز برای تعاملات اجتماعی در این قسمت از خیابان	سروصدای بیش‌ازحد موتورسیکلت‌ها
مزاحمت برای دختران و زنان مخصوصاً با نزدیک شدن به میدان راه‌آهن	وجود افراد بی‌خانمان و موادفروش
عدم امنیت و آزادی عمل کمتر زنان و دختران در این قسمت‌ها	از بین رفتن چنارهای ولیعصر در این قسمت
وجود بیش‌ازحد فروشگاه‌های موتورسیکلت و تعمیرگاه‌ها و کاربری‌های خسته‌کننده زیاد از جمله لوازم پزشکی و ...	

در اینجا تصویری کوتاه از زندگی اجتماعی روزمره در یکی از مکان‌های جذاب و سرزنده خیابان ولیعصر ارائه می‌شود: محدوده باغ فردوس به سبب وجود کافی‌شاپ‌ها و رستوران‌ها و همچنین وجود سینماها و موزه سینما تا پاسی از شب مکانی جذاب برای دختران و پسران و همچنین زنان و مردان می‌باشد. طبق مشاهدات انجام‌شده، این مکان در ماه رمضان تا نزدیکی‌های سحر نیز پذیرای مشتریان همیشگی خود است. اجرای موسیقی خیابانی و تئاتر خیابانی از برنامه‌های این مکان می‌باشد. حضور دست‌فروشان دختر و پسر با پوشش‌های مدرن که کارهای دست‌ساخت خود را به نمایش گذاشته‌اند و لزوماً اهل آن قسمت از شهر نیستند نیز قابل‌توجه بود. آن‌ها دلیل علاقه‌مندی به این مکان را کنترل اجتماعی اندک نسبت به پایین‌دست خیابان، مزاحمت‌های کمتر و راحتی بیشتر برای دختران و زنان و همچنین ارزش نهادن به صنایع دستی در این مکان و مشتریان زیاد محصولات در این مکان اعلام کردند. درنهایت، بررسی ترجیحات کاربران و نحوه ارزش‌گذاری متغیرهای حس مکان نشان‌دهنده الگوی مفهومی «نوستالژی و پیوند با گذشته» است. درواقع از نظر کاربران خیابان ولیعصر، برای سرزنده‌تر ساختن این خیابان باید عناصر تاریخی و هویت گذشته آن بیشتر در معرض نمایش قرار گیرد تا حس نوستالژیک شهروندان بیشتر برانگیخته شود.



شکل شماره ۸. باغ فردوس به مثابه یکی از مکان‌های سرزنده خیابان ولیعصر

با عنایت به موارد بحث شده، دستاورد و نتیجه مهم مطالعه حاضر، شناسایی الگوهای مفهومی سرزندگی در خیابان ولیعصر از دیدگاه کاربران برحسب ابعاد ۷ گانه سرزندگی است که به شرح جدول شماره ۸ می‌باشند. این الگوهای مفهومی بدین معنا هستند که کاربران خیابان ولیعصر، عناصر خاصی از سرزندگی را برای ارتقای کیفیت فضای این خیابان ترجیح می‌دهند که منطبق بر شیوه زندگی، هنجارها، فرهنگ و ساختار اجتماعی شهر تهران است.

جدول شماره ۸. الگوهای مفهومی سرزندگی خیابان ولیعصر بر اساس ترجیحات کاربران

مؤلفه‌های اصلی سرزندگی	الگوهای مفهومی
فراگیری	تمایل به فضایی همگن و یکدست اما از نظر رفتاری و فعالیتی متنوع و بدون محدودیت
اجتماع‌پذیری	اجتماع‌پذیری، بیشتر از آنکه از جنس «ارتباط و تعامل» باشد، از جنس «حضور در فضا» است
آسایش	ترجیح کاربران معطوف به معیارهایی است که در ارتباط با لذت‌بخش بودن فضای خیابان قابل تعریفاند
امنیت	امنیت اجتماعی و روانی، بیش از امنیت فیزیکی برای کاربران اهمیت دارد
کاربری	وجود کاربری‌های تجاری از نوع مختلط بیش از سایر کارکردها در سرزندگی خیابان ولیعصر نقش دارد
دسترس‌پذیری	مقیاس انسانی و دسترسی پیاده به فضای خیابان، بیش از سایر معیارهای دسترس‌پذیری برای کاربران اهمیت دارد
حس مکان	پررنگ کردن عناصری که منجر به تقویت حس نوستالژی و پیوند با گذشته گردد در سرزندگی خیابان مؤثر خواهد بود

از آنجاکه یکی از دغدغه‌های پژوهش حاضر، مشارکت کاربران در مدیریت و ارتقای کارکرد فضاهای عمومی است، به‌عنوان آخرین سؤال، نظر مصاحبه‌شوندگان را در خصوص راهکارهایی که می‌تواند خیابان ولیعصر را به یک خیابان سرزنده، باکیفیت و زیبا تبدیل کند جویا شدیم. راهکارهای ارائه‌شده عموماً حول چهار محور زیر بود:

- ❖ مناسب‌سازی و ایمن‌سازی خیابان برای زنان به‌عنوان مهم‌ترین راهکار پیشنهادی: زیرا حضور زنان عاملی کلیدی در سرزندگی خیابان ولیعصر از دیدگاه کاربران شناخته شد،
- ❖ مناسب‌سازی پیاده‌روها (اعم از رفع سد معبر، ساماندهی پارک موتورسیکلت‌ها، ساماندهی جوی‌های آب و ...)،
- ❖ کم کردن حضور و سیطره اتومبیل‌ها و ایجاد شرایطی که زمینه حضور دوچرخه در خیابان مهیا شود،
- ❖ کم کردن کنترل اجتماعی در خیابان و عدم دخالت در زندگی خصوصی و سلايق شخصی افراد.

نتیجه‌گیری

سرزندگی شهری به‌عنوان یکی از حوزه‌های پژوهشی جذاب در مطالعات فضای عمومی، چارچوب نظری و تجربی مناسبی فراهم می‌کند تا محققان با دید عمیق‌تری نسبت به مطالعه علایق، خواسته‌ها و سبک زندگی گروه‌های اجتماعی اقدام کنند و نتایج این مطالعات را در برنامه‌ریزی فضاهای عمومی منعکس نمایند. تأکید و توجه مطالعات سرزندگی به عناصر ناملموس، حسی و فرهنگی در کنار عناصر عینی و کالبدی، یکی از تفاوت‌های بارز این مطالعات با سایر حوزه‌های مطالعاتی فضای عمومی است. از جمله این عناصر ناملموس می‌توان به «روح شهر» و «انرژی شهر» اشاره کرد. عنصری که در صورت نهادینه شدن در فضاهای عمومی عصر حاضر، پتانسیل‌های زیادی برای موفقیت و ماندگاری این فضاها ایجاد خواهد کرد. از طرفی، سرزندگی حاصل تعامل پیچیده میان عوامل و سازه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی،

محیطی، حسی و روانی است. بنابراین فرو کاهیدن مقوله سرزندگی به عوامل صرفاً کالبدی و طراحی محیطی، به شیوه‌ای که در بسیاری از پژوهش‌های داخل کشور متداول است، نه تنها برنامه‌ریزی برای ارتقای کیفیت فضاهای عمومی را ناکام می‌سازد، بلکه باعث رواج نوعی برنامه‌ریزی یکسان و مشابه، بدون توجه به ویژگی‌های جامعه‌شناختی، هنجارها و الگوهای رفتاری جوامع شهری مختلف می‌شود. چنانکه نتایج به‌دست‌آمده از مطالعه حاضر در خیابان ولیعصر نیز نشان‌دهنده ارتباط بین ترجیحات کاربران با ساختار اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور و شهر تهران بود.

در وهله اول بیشتر متغیرهای مؤثر بر سرزندگی خیابان ولیعصر، جزو متغیرهای اجتماعی و غیر کالبدی بودند که اغلب مربوط به مؤلفه‌های اجتماع‌پذیری، فراگیری و امنیت هستند. از سوی دیگر، الگوهای مفهومی شناسایی‌شده توسط کاربران، نشان‌دهنده برخی از ویژگی‌های اجتماعی شهر تهران بود که در نوع خود بسیار بدیع و جالب توجه می‌باشد. ویژگی‌هایی که حاصل تبلور تاریخی ساختار اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور در زندگی روزمره مردم تهران است و بدین‌وسیله نحوه استفاده شهروندان از فضاهای عمومی این شهر را تعیین می‌کند. مانند: جوان‌گرایی، فردگرایی، حمایت از حضور زنان، حمایت از فضاهای «همگن» (به لحاظ یکدستی اقشار اجتماعی) ولی «متنوع» (از نظر نوع فعالیت‌ها)، عدم ارتباط با غریبه‌ها، عدم تحمل گروه‌های اجتماعی متفاوت مانند اقلیت‌ها، اهمیت کاربری‌های تجاری مختلط، توجه بسیار زیاد به امنیت اجتماعی و روانی، اهمیت دسترس‌پذیری پیاده، توجه به لذت‌بخش بودن فضا و توجه به نوستالژی و پیوند با گذشته. از سوی دیگر به دلیل چند هویتی بودن خیابان ولیعصر، تفاوت‌های بارزی، هم در ترجیحات کاربران و هم در میزان سرزندگی بخش‌های مختلف خیابان به‌ویژه نیمه شمالی و جنوبی آن مشاهده شد. این تفاوت‌ها نیز در ارتباط با سبک زندگی طبقات اجتماعی ساکن در خیابان ولیعصر قابل تعریف‌اند.

درنهایت با توجه به تمامی یافته‌ها و نتایج این مطالعه، می‌توان اذعان کرد که فرایند برنامه‌ریزی برای فضاهای عمومی با رویکرد سرزندگی، در یک شهر چند هویتی و طبقاتی مانند تهران، تنها در صورتی به نتیجه مطلوب می‌رسد که دو پیش‌شرط اساسی را مدنظر قرار دهد: اول توجه به ساختارهای کلان اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و دوم توجه به علایق و ترجیحات تمام ذی‌نفعان و کنشگران فضاهای عمومی. با توجه به محدودیت‌هایی که مطالعه حاضر از ابعاد مختلف موضوعی و روش‌شناختی با آن‌ها مواجه بود، پژوهش‌های آتی می‌توانند بر موضوعاتی مانند ارتباط ساختارهای کلان فرهنگی و سیاسی با الگوهای رفتاری - فعالیتی و نتیجه آن بر سرزندگی فضاهای عمومی و یا مطالعه عمیق‌تر هر یک از مؤلفه‌های ۷ گانه سرزندگی با رویکرد و روش کیفی تمرکز کنند.

منابع

- ۱) اشرفی، یوسف (۱۳۹۳) تأثیر مدرنیته بر تحولات کارکردی فضاهای عمومی شهری تهران، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، به راهنمایی احمد پوراحمد، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران.
- ۲) جانسون، پاتریشیا آلتنبرند (۱۳۸۵) فلسفه هانا آرنست، ترجمه خشایار دیهیمی، چاپ نخست، تهران: انتشارات طرح نو.
- ۳) رضایی‌نیا، حسن (۱۳۹۷) تبیین سازوکارهای تولید اجتماعی فضاهای عمومی در شهر تهران، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، به راهنمایی احمد پوراحمد و کرامت‌الله زیاری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران.
- ۴) شیبانی، مهدی؛ درفشی، علی؛ پرهوده، فاطمه (۱۳۸۹) چرایی دل‌بستگی ساکنان تهران به خیابان ولیعصر، جستارهای شهرسازی، بهار ۱۳۸۹، دوره ۹، شماره ۳۱، صص. ۵۳-۴۷.
- ۵) محمدپور، احمد (۱۳۸۹) فراروش بنیان‌های فلسفی و عملی روش تحقیق ترکیبی در علوم اجتماعی و رفتاری، چاپ نخست، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- ۶) مدنی‌پور، علی (۱۳۸۱) تهران ظهور یک کلان‌شهر، چاپ نخست، تهران: انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- 7) Allison, David. & Georgopoulos, Diane. & Gilchrist, William A. & Moore, James A. & Nadel, Barbara A. & Simonsen, Søren D. & Williams, Daniel. (2005) What Makes a Community Livable? Livability 101 for Communities, The American Institute of Architects, Washington DC.

- 8) Barton, Hugh; Grant, Marcus; Guise, Richard. (2010) *Shaping Neighborhoods: For Local Health and Global Sustainability*, Routledge; 2nd New Edition.
- 9) Bentley, Ian; Alcock, Alan; Murrain, Paul; McGlynn, Sue; Smith, Graham. (2008) *Responsive environments: A manual for designers*, Oxford: Butterworth Architecture
- 10) Brenner, Neil; Marcuse, Peter; Mayer, Margit. (2009) *Cities for people, not for profit*, City, Vol.13, No.2 & 3, pp.176-184.
- 11) Carmona, Matthew; De Magalhães, Claudio; Hammond, Leo. (2008) *Public space: the management dimension*: Routledge.
- 12) Chapman, David. (2003) *Creating neighborhoods and places in the built environment*, Taylor & Francis, ISBN: 978-0419209300.
- 13) Cowan, Robert. (2005) *The Dictionary of Urbanism*, Streetwise press
- 14) Creswell, John W (2013), *Research Design: Qualitative, Quantitative, and Mixed Methods Approaches* (4nd Edition), California: Sage Publication.
- 15) Forsyth, Ann; Hearst, Mary; Oakes, Michael; Schmitz, Kathryn. (2008) *Design and Destinations: Factors Influencing Walking and Total Physical Activity*, Urban Studies, Vol.45, No.9, pp.1973-1996.
- 16) Garvin, Alexander. (2016) *What Makes a Great City*, Springer, ISBN 978-1-61091-759-9
- 17) Gehl, Jan. (2011) *Life between Buildings: Using Public Space*, London: Island Press.
- 18) Herrmann Lunecke, Geraldine, Marie; Rodrigo, Mora. (2017) *The layered city: pedestrian networks in downtown Santiago and their impact on urban vitality*, Journal of Urban Design, DOI: 10.1080/13574809.2017.1369869.
- 19) Hirt, Sonia A. (2016) *Rooting out mixed use: Revisiting the original rationales*, Land Use Policy, Vol.50, No.1, pp.134-147.
- 20) Jalaladdini, Siavash; Oktay, Derya. (2011) *Urban Public Spaces and Vitality: A Socio-Spatial Analysis in the Streets of Cypriot Towns*, Procedia- Social and Behavioral Sciences, Vol.35, No.1, pp. 664-674.
- 21) Kalandides, Ares. (2011) *The Problem with Spatial Identity: Revisiting the Sense of Place*, Journal of Place Management and Development, Vol.4, No.1, pp. 28-39.
- 22) Kavaratzis, Mihalis; Hatch, Mary Jo. (2013) *The dynamics of place brands: an identity-based approach to place branding*, Mark Theor, Vol.13, No.4, pp. 69-86.
- 23) Khalili, Akra; Nayyeri Fallah, Siyamak. (2018) *Role of social indicators on vitality parameter to enhance the quality of women's communal life within an urban public space (case: Isfahan's traditional bazaar, Iran)*, Frontiers of Architectural Research, Vol.7, No.3, pp. 440-454.
- 24) Landry, Charles. (2000) *Urban Vitality: A New source of Urban Competitiveness*, prince Claus fund journal, ARCHIS issue Urban Vitality/Urban Heroes, Vol.12, No.1, pp.8-13.
- 25) Langstraat, Florian; Van Melik, Rianne. (2013) *Challenging the 'End of Public Space': A Comparative Analysis of Publicness in British and Dutch Urban Spaces*, Journal of Urban Design, Vol.18, No.3, pp.429-448.
- 26) Lefebvre, Henry. (1991) *The Production of Space*, Oxford: Oxford press
- 27) Lu, Shiwei; Huang, Yaping; Shi, Chaoyang; Yang, Xiping. (2019) *Exploring the Associations between Urban Form and Neighborhood Vibrancy: A Case Study of Chengdu, China*, International Journal of Geo-Information, Vol.8, No.4, pp.1-15.
- 28) Mardani, Seyedeh Fatemeh. (2018) *Public spaces liveliness indebted to Commercial function Case studies are the cities*. journal of art & civilization of the orient, Vol.6, No.20, pp.13-22.
- 29) Montgomery, John. (1998) *Making a city: Urbanity, vitality and urban design*, Journal of Urban Design, Vol.3, No.1, pp.93-116.
- 30) Paumier, CY. (2007) *Creating a Vibrant City Center*, (ULI) Urban Land Institute, Washington, D.C, Public Land Pub.

- 31) Punter, John. (1999) Design guidelines in American cities: A review of design policies and guidance in five west coast cities, Liverpool University Press, Liverpool
- 32) Rapoport, Amos. (1994) A critical look at the concept 'place', National Geographic Journal of India, Vol.40, No.1-2, pp.31-45.
- 33) Ryan, Richard M & Frederick, Christina. (1997) On energy, personality, and health: Subjective vitality as a dynamic reflection of well-being, Journal of personality, Vol.65, No.3, pp.529-565.
- 34) Sepe, Marichela. (2017) The role of public space to achieve urban happiness, International Journal of Sustainable Development and Planning, Vol.12, No.4, pp.724-733.
- 35) Shaftoe, Henry. (2008) Convivial Urban Spaces: Creating Effective Public Places, published by Earth scan: UK and USA.
- 36) Shuhana, Shamsuddin. (2004) Criteria of success for traditional shopping streets in Malaysia: Case study of Kuala Lumpur. UN published Research Report, Universiti Teknologi, Malaysia.
- 37) Tashakkori, Abbas & Teddlie, Charles. (2010) Handbook of Mixed Methods in social and Behavioral Research, Thousand Oaks, CA, SAGE Publications, Inc, ISBN: 1412972663.
- 38) Timmer, Vanessa; Oberlander, Peter; Seymoar, Nola-Kate. (2006) The livable city: Vancouver Working Group Discussion Paper, Paper presented at the The World Urban Forum 2006.
- 39) Varna, George & Tiesdell, Steve. (2010) Assessing the Publicness of Public Space: The Star Model of Publicness, Journal of Urban Design, Vol.15, No.4, pp.575-598.
- 40) Von Schönfeld, Kim Carlotta & Bertolini, Luca. (2017) Urban streets: Epitomes of planning challenges and opportunities at the interface of public space and mobility, Cities, Vol.68, No.1, pp.48-55.
- 41) Whyte, William H. (2000) The Social Life of Small Urban Spaces, PPS Organization press
- 42) Xu, Xiaodong, Xu, Xinhuan; Guan, Peng; Ren, Yu; Wang, Wei; Xu, Ning. (2018) The cause and evolution of urban street vitality under the time dimension: Nine cases of streets in Nanjing City, China. Vol.10, No.8, pp.2-19.
- 43) Zeng, Chen; Song, Yan; He, Qingsong; Shen, Feixue. (2018) Spatially explicit assessment on urban vitality: case studies in Chicago and Wuhan, Sustainable Cities and Society, Vol.40, No.1, pp.296-306.